



تضمین دادن نسبت به آینده، نافی ربوبیت پروردگار است

حجت الاسلام سیدعباس قائم مقامی ضمن اشاره به اینکه دآوری قطعی نسبت به آینده فقط مختص خداوند است تصریح کرد: اگر شما نسبت به آینده تضمین بدهید...

حجت الاسلام سیدعباس قائم مقامی ضمن اشاره به اینکه دآوری قطعی نسبت به آینده فقط مختص خداوند است تصریح کرد: اگر شما نسبت به آینده تضمین بدهید، به معنای این است ربوبیت پروردگار پایان یافته و «كَلَّ يَوْمَ هُوَ فِي شَأْنٍ» بی معنای می شود.

به گزارش ایکننا، جلسه شرح دعای ابوحمزه ثمالی با سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین سیدعباس قائم مقامی، استاد دانشگاه و رئیس سابق مرکز اسلامی هامبورگ، شب گذشته ششم اردیبهشت ماه برگزار شد که در ادامه متن سخنان وی را می خوانید:

بچثمان به اینجا رسید؛ از آنچه امام سجاد(ع) در این فقره دعا بیان می فرمایند یک قاعده مهم توحیدی استخراج می کنیم و آن اصل تفکیک سببیت از علیت است. ماحصلش این است که در بهترین شرایط اگر بتوانیم تولید خیر بکنیم و فاعلیت خیر داشته باشیم تازه سبب خیر و نیکی را فراهم کرده ایم و این فزون بخشی خداوند است که فاعل تکمیل فرایند سببیت ما است. بنابراین کسی که در عمل و موضع خیر است و مومنی که ایمان ورزی می کند نباید به خودبرتربینی و غرور مبتلا شود و اینگونه بیندارد در سایه عمل نیک خود به رستگاری قطعی دست پیدا کرده است.

چند نکته ذیل این قاعده قابل طرح است؛ یک نکته این است وقتی شما قرآن را مطالعه می کنید با پدیده ادبیات تعلیقی مواجه می شوید یعنی خداوندی که اراده مطلق دارد، وجود مطلق است و یفعل مایشاء است در خیلی از جاها در مواجهه با انسان از فعل «لعل» و «عسی» استفاده کرده است. «لعل» و «عسی» واژگانی هستند که در ادبیات عرب برای تمنی و ترجی به کار می روند و ماهیت احتمالی دارند یعنی بازگوکننده امر قطعی نیستند بلکه حکایتگر یک امر احتمالی هستند. باید گفت واژگانی این چنین که مفهوم احتمال و تردید را منعکس می کنند در نسبت با انسان است، نه در نسبت با ذات پروردگار یعنی خداوند دارد این را بیان می کند؛ ای انسان تو دائما در حال پویشی، تو دائما در فرآیند تدریجی به سوی کمال و مقصدت می روی. لذا انسان یک لحظه نمی تواند به قطعیت به احوال خود و آینده دست پیدا کند. این راز واژگانی است که بار تردید را حمل می کنند و ادبیات تعلیقی هستند که برآمده از اصل تفکیک علیت از سببیت است. پس هیچ چیز راجع به انسان قطعیت یافته نیست. جالب اینکه خدا فعل «عسی» را در مورد خودش به کار نمی برد و فقط در رابطه با انسان به کار می برد. هیچ دآوری قطعی نسبت به انسان وجود ندارد

پس اگر این اصل توحیدی را خوب مورد تامل قرار دهیم نکات و اصول متعددی شکل می گیرد. یکی از اصولی که برآمده از این اصل توحیدی است این است که پس هیچ دآوری قطعی نسبت به انسان وجود ندارد، نه در جانب بد انسان و نه در جانب نیک انسان. چه انسان نیکوکار باشد و چه بدکار باشد چه مرتکب نیکی شود، چه مرتکب بدی شود. پس هیچ دآوری قطعی نسبت به ذات انسان، نسبت به فرجام انسان وجود ندارد و فرجام انسان فقط دست خداوند است و او احکم الحاکمین است لذا خدا در قرآن ویژگی دآوری را از پیامبر(ص) هم سلب می کند و می گوید تو وکیل نیستی، تو حفیظ نیستی تو حسیب نیستی، بلکه حساب و دآوری نسبت به تو و همه مردم با من است. این از صفاتی است که خدا به اشتراک نگذاشته است. انسان مظهر صفات خداوند است ولی برخی صفات اختصاص به ذات احدیت است و برای مقام ذات خدا است و نه فعل خدا. ما فقط می توانیم صفات خدا در مرتبه فعل را واجد شویم و نمی توانیم به صفات مرتبه ذات دسترسی پیدا کنیم چون دور از دسترس ماست و حتی ما نسبت به آنها شناخت تفصیلی نداریم. یکی از صفاتی که برای خدا به صورت مطلق ثابت شده و تحقق آن برای هیچ انسانی امکان پذیر نیست دآوری نهایی است.

لذا می بینید رسول الله می فرماید: «وَمَا أَدْرِي مَا يُفَعَلُ بِي وَلَا يَكُمُ» یعنی من هم نمی دانم قرار است فرجام من چه بشود و نمی دانم فرجام شما چه خواهد شد. پس پیامبر(ص) هم نسبت به پایان کار خودش تضمین ندارد و تضمین نمی دهد. اگر شما تضمین بدهید به معنای این است که ربوبیت پروردگار پایان یافته و «كَلَّ يَوْمَ هُوَ فِي شَأْنٍ» بی معنای می شود. این گونه هر لحظه اعمال ربوبیت پروردگار معنا نخواهد داشت. وقتی شما دآوری قطعی نسبت به مسئله ای می کنید در واقع ربوبیت خداوند را تعطیل کردید و مصداق همان است که «وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَعْلُومَةٌ». نمی توانیم کسی را دآوری کنیم

ربوبیت پروردگار هرگز پایان نمی پذیرد و «هر لحظه به شکلی بت عیار درآمد» یعنی هر لحظه اسمی از اسمای الهی در کار است و دارد کارسازی می کند و آفرینش دارد. بنابراین چون ربوبیت الهی استمرار دارد لازمه استمرار این است که داوری از آن هیچ کس جز او نیست و ما نمی توانیم هیچ کس را داوری کنیم و قضاوت نهایی داشته باشیم آنچه می توانیم قضاوت کنیم نسبت به اعمال دیگران است. وقتی می گوییم نباید کسی را داوری کرد، برخی آن را به حوزه افعال و اعمال انسان ها تعمیم می دهند. افعال نسبت به ما است و ما نمی توانیم نسبت به آن داوری داشته باشیم. ما باید نسبت به فعل قضاوت داشته باشیم. قرآن هم می فرماید: «أَنْتُمْ بَرِيئُونَ مِمَّا أَعْمَلُوا وَأَنَا بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ». در عین حال نباید این داوری و قضاوت را نسبت به ذات فاعل و آینده فعال داشته باشیم چنانکه نمی توانیم بگوییم کسی که مومن است تا آخر عمر در مصونیت قرار دارد. یکی از بزرگان در اواخر عمرش شیطان برایش تمثل کرده بود، به شیطان گفته بود دست از سر من بردار ولی شیطان گفته بود تا لحظه آخر دنبال تو هستم. بنابراین مسئله پایان یافته نیست و هیچ حکم قطعی نمی توان بیان کرد.